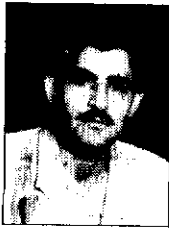


فلسفه ظهور منجی آخر الزمان، مسأله‌ای را که در باب فلسفه آخر الزمان و پیدایش مدینه فاضله انسانی مطرح می‌شود، شکل حکومتی آن دوره عالی حیات بشری است که همیشه ذهن جستجوگر انسان آرمان‌گرا را به خود مشغول کرده است و در این میان نظریه‌ای را که با عقل چاره‌اندیش انسان آغاز هزاره سوم می‌توان در ارتباط با دوره آخر الزمان مطرح کرد مفهوم سیاست دینی می‌باشد که چه از دیدگاه روشنفکری دینی شرقی و چه از منظر پست مدرنیسم غربی نظریه‌ای عقلانی و منطقی به حساب می‌آید که حاصل آن جهانی خواهد بود، هم‌راه با سیاست‌هایی بر مبنای محور اخلاق و انسانیت که به همراه خود آسایش، امنیت، رفاه و زیبایی را در جهانی عاری از خشونت، فقر و جهل به تماشا خواهد گذاشت.

در پایان این بخش و برای تکمیل این بحث لازم است که اشاره‌ای به تئوری پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما نظریه پرداز بزرگ سیاسی معاصر داشته باشیم که در آن وی تمدن لیبرال دمکرات غربی را شیوه نهایی حکومتی تاریخ معرفی کرد و نهایت آمال و ایده آل‌های انسانی را به ظهور رساند و به صرف فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی و تجزیه آن نظریه اتمام فلسفه‌ها و مکاتب بشری و اکملیت آن توسط نظام لیبرال سرمایه داری غرب به سراسر جهان تعمیم بخشید. اما اکنون و در آغازین سالهای قرن بیست و یکم اگر در محضر قضاوت وجدان‌های بیدار بشریت قرار گیریم مسلماً پژواک گوش خراش ناگامی‌ها و شکست‌های این تمدن غول‌آسای جهان مدرن معاصر توهم زیستن در پایان تاریخ را از ما خواهد گرفت و همچنان بشریت را در انتظار تولد جهانی دیگرگون خواهد گذاشت.

اکنون و پس از تحلیلی جامع که از مفهوم سیاست دینی ارائه شد به

بررسی مفهوم دین سیاسی می‌پردازیم که بی‌شک یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مفاهیم در حوزه عمل سیاسی خصوصاً در کشورهای با رویکرد مذهبی می‌باشد. برای تحلیل عمیق‌تر این مفهوم یک بار دیگر باید هدف و کارکرد مذهب و سیاست را از نظر بگذرانیم. همان‌گونه که از سخنان انبیا و فلاسفه دین می‌توان استنباط کرد وظیفه اساسی مذاهب یادآوری انسان نسبت به حقیقت وجودی خویش است که او را به مقامی فرادنیوی و مقدس متعلق می‌داند و در این میان آموزه‌های دینی راهی است برای حرکت انسان از آنچه هست به آنچه باید باشد. پس دین الگویی همه‌جانبه است برای رهسپاری انسان به مقصد اصلی خلقت و نهایت هدف آفرینش و اما سیاست همان‌گونه که به تفصیل بررسی شد راهکارهایی است برای ایجاد هر چه بیشتر رفاه، سود و لذت برای این دنیای انسان زمینی. پس با این وجود سوآلی که دوباره مطرح می‌شود چگونگی تداخل و تلافی این دو مفهوم نسبتاً متناقض است که در قالب‌های سیاست دینی و دین سیاسی بروز می‌کند. در جواب این سؤال باید بیان کرد که راه رفع این پارادوکس در این مفاهیم، همان‌گونه که در بحث مفهوم سیاست دینی مطرح شد، غلبه و سیطره با مفهوم و رویکرد مذهب بود که به تبع آن سیاست نیز تابعی از معادلات و اصول مذهبی در آمده بود. اما در ساختار دین سیاسی این رویکرد دقیقاً بالعکس شکل می‌گیرد و این بار برتری و تسلط با سیاست به مفهوم مرسوم آن که بیان شد، می‌باشد که در نتیجه آن، دین و اصول و ارزش‌های مذهبی را دچار استحاله می‌کند و جریان مذهب را از مسیر واقعی خود خارج کرده و در مسیری که هدف آن تأیید و مشروعیت بخشیدن به اعمال سیاسی است قرار می‌دهد.



جلال رحمانی - پیرانشهر

مردم سالاری؛ شورش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سراب یا واقعیت؟!

مردم سالاری به عنوان ضرورت و از مطالبات مهم و جدی در بین مردم، نخبگان را بر آن داشته که از توجه عمیقی نسبت به چگونگی روند پیشرفت‌ساز و کارهای آن و نهادینه شدن حاکمیت در عرصه تعاملات سیاسی برخوردار گردند.

اما بدیهی است که تحقق مردم سالاری در جامعه توسعه نیافته‌ای چون ایران یک شبه، عملی نخواهد شد و قطعاً نیاز به مراحل گوناگونی از جمله بالا بردن پتانسیل‌های جامعه، وجود نیرویی قدرتمند با توانایی در جلب اعتماد مردم، تنوع صداهای مختلف سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون جهت ممانعت از یک حکومت استبدادی، آرایه تعریفی روشن و دقیق از مردم سالاری و رفع ابهامات از آن، رفع نارسایی‌های قانون اساسی از جمله نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان دارد. شکل‌گیری و تقویت مردم سالاری محتاج مردم و گروه‌های مختلف است که بتوانند در مورد مهم‌ترین مسایل پیرامون تصمیم‌گیری کنند و اطمینان داشته باشند که مورد تعرض هیات حاکمه قرار نخواهند گرفت. به صورتی که مردم از امکان تأسیس انجمن‌های مستقل از دولت، مطبوعات آزاد، انتخابات آزاد، رادیو و تلویزیون مستقل... برخوردار گردند.